

امام علی علیه السلام
در فرهنگ عامه خراسان

جلیل امجدی

حبیب صفرزاده، محسن علی نژاد قمی

امجدی، جلیل، ۱۳۳۶ -
امام علی علیه السلام در فرهنگ عامه خراسان / به کوشش جلیل
امجدی؛ با همکاری حبیب صفرزاده، محسن علی نژاد قمی. - تهران:
رسانش، ۱۳۸۶.

ISBN: 964-7182-71-6

۲۶۳ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۲۵۱ - ۲۵۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -
فرهنگ عامه. ۲. خراسان - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی. ۳.
شعائر و مراسم مذهبی - ایران - خراسان. الف. صفرزاده، حبیب،
۱۳۴۱ - ب. علی نژاد قمی، محسن، ۱۳۴۴ - ج. عنوان.

۸ الف ۸۴۳ الف/۳۵/۳۷ BP ۲۹۷/۹۵۱

۲۵۷۴۶ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



بهار شمالی، شکیا، شیرازی، شماره ۷، واحد ۲

تلفن: ۰۹۱۲ ۱۳۰۹۱۳۱ تلفکس: ۷۷۵۳۰۵۳۶



امام علی علیه السلام در فرهنگ عامه خراسان
جلیل امجدی، حبیب صفرزاده، محسن علی نژاد قمی

طرح جلد و صفحه آرای: علیرضا علی نژاد

ناشر: رسانش

لینتوگرافی: پارسیان

چاپ: متین

صحافی: مؤمن

چاپ اول: تهران - ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

این اثر به عنوان یکی از پژوهش های مصوب

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان در سال ۱۳۸۲ به انجام رسیده است.



پیش‌گفتار ۷

بخش اول: جشن‌ها و سوگواری‌ها ۲۵

جشن‌ها ۲۷

جشن عروسی ۲۸

تولد و نام‌گذاری کودکان ۳۶

عید نوروز، تولد و آغاز خلافت امام علی علیه السلام ۴۰

جشن به هلاکت رسیدن ابن ملجم ۴۸

سوگواری‌ها ۵۳

سوگواری ایام شهادت مولا علی علیه السلام ۵۴

قنبرخوانی ۶۷

الله‌مضونی ۷۱

وداع یا ماه رمضان ۷۳

چاووش‌خوانی ۷۵

بخش دوم: سروده‌ها و ترانه‌ها ۸۱

ویزگی‌ها و چارچوب مفهومی ۸۳

جایگاه امام علی علیه السلام در سروده‌ها و ترانه‌های مردم خراسان ۹۰

رسیدن به مراد، حقیقی‌ها، سوگند و ۹۳

ترانه‌های نیاز و تمنای باران ۱۱۱

ترانه‌های کار ۱۱۵

ترانه‌های جشن خرمین و درو ۱۱۶

ترانه‌های بام‌اندودکردن خانه ۱۲۱

لالایی‌ها ۱۲۲

بخش سوم: موسیقی محلی ۱۳۵

۱۷۹	بخش چهارم: باورداشت‌ها، قصه‌ها و افسانه‌ها
۱۸۱	باورداشت‌ها
۱۸۲	فال چهل‌بیتی
۱۸۴	حلوای دوازده امام
۱۸۶	چشمه‌های نظرکرده
۱۸۷	سایر باورداشت‌ها و اعتقادات
۱۹۸	قصه‌ها و افسانه‌ها
۲۰۴	آجیل مشکل‌گشا
۲۱۲	افسانه شاه‌طهماسب
۲۲۷	هفت محمد، هفت علی، هفت فاطمه
۲۳۲	حضرت علی علیه السلام و علم ریاضی
۲۳۳	حضرت علی علیه السلام در جنگ خیبر
۲۳۳	چشم‌درد عقیل
۲۳۴	امام علی علیه السلام و مرد یهودی
۲۳۵	بهره‌مندی از مال دنیا
۲۳۵	هرب بدوی و حضرت علی علیه السلام
۲۳۷	مرد فقیر و انگشتر مولا علی علیه السلام
۲۳۸	داستان قمری و عقاب
۲۳۹	حضرت علی علیه السلام و فاطمه بنت اسد
۲۴۰	جبرئیل و حضرت علی علیه السلام
۲۴۲	داستان قنبر و علی علیه السلام
۲۴۳	مالک اشتر و علی علیه السلام
۲۴۵	حمتل خیبری و حضرت علی علیه السلام
۲۴۷	سلمان فارسی و مولا علی علیه السلام
۲۴۸	امام علی علیه السلام و فردوسی
۲۵۱	منابع
۲۵۵	نمایه

پیش‌گفتار

بارزترین نشانه‌های قومیت و از مهم‌ترین ابزار شناسایی خصایص یک جامعه فرهنگ مردم آن جامعه است. فرهنگ مردم سرچشمه فیض عالی‌ترین هنرها و بدیع‌ترین ساخته‌های فکر بشر و به‌مثابه جلوه‌گاهی ارجمند و والا، آیینه‌وار منعکس‌کننده موجودیت و ارزش هر قوم است. بهترین مایه‌های اولیه شعر و هنر و موسیقی را باید در فرهنگ مردم جستجو کرد. فرهنگ عامه به‌عنوان مجموعه تجربیات و تفکرات بشر طی قرون و اعصار به جامعه هویت و موجودیت می‌بخشد. از ویژگی‌های فرهنگ مردم ارتباط نزدیک آن با زندگی اجتماعی و تولیدی جامعه است. مشارکت و همکاری افراد جامعه در امور مختلف زندگی مثل ساختن خانه، خرمن‌کوبی، مراسم عزا و عروسی و اعیاد مذهبی، که با نوعی جامعه‌شناسی تعاون همراه است، جزء فرهنگ مردم محسوب می‌شود.

مردمان ساده و پرتلاش در میان کوه‌ها و دشت‌ها زندگی می‌کنند و

بی هیچ واسطه‌ای با طبیعت و مظاهر آن مانوسند. این مردم از تمامی تجلیات زندگی در پیرامون خود تأثیر می‌پذیرند و متناسب با درک و اندیشه خود نسبت به آن‌ها بازتاب‌های صادقانه و بی‌ریا دارند. خوشی‌ها و ناملایمات مردم عادی برگرفته از طبیعت پیرامون‌شان است. هیجانات شادمانه و افسردگی‌های انزواگرایانه، حاصل شرایط زندگی و بازتاب تأثیر محیط آن‌هاست و معتقدات دینی و روحیات و باورهای مردم ساکن در کوه‌ها و دشت‌ها به روشنی در رفتار و گفتار، عادات، سنن و به‌ویژه هنرهای مردم متجلی می‌شود. صنایع دستی، ابزار کار، آداب، قصه‌ها و شعرها و آوازه‌ها به روشنی رازهای درونی و خصایص عاطفی این مردم را بیان می‌کند.^۱ در میان تمام عناصر فرهنگی، آداب و تجلیات مذهبی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ مردم برخوردار است.

فرهنگ مردم از درون و متن زندگی آنان می‌جوشد و جاری می‌شود و پیوسته در حال دگرگونی است و ریشه‌های عمیق آن تا زندگی انسان غارنشین هم دامن می‌گسترند، ولی در همه حال بارقه‌هایی از گذشته‌ها در آن می‌درخشد. ادوارد تیلر^۲ دانشمندی که تحقیقات حیرت‌انگیزی در زمینه‌های مردم‌شناسی دارد می‌گوید: وقتی که ما عادات و اعتقادات غارنشینان وحشی را با ممالک متمدن بسنجیم تعجب خواهیم کرد که چقدر از قسمت‌های تمدن پست، با اندک تغییری در تمدن عالی، دیده و شناخته می‌شود و گاهی هم مشابهت تام دارند.^۳

در حقیقت دنیای فرهنگ مردم، دنیای زندگی عینی و واقعی توده‌هاست، مردمی که در دنیای خود زیسته‌اند، اندیشیده‌اند،

۱. ایرج برخوردار، موسیقی مناطق ایران، اداره کل تحقیق و توسعه صدا، (تهران، ۱۳۸۰)،

ص ۶. ۲. Edward tylor.

۳. صادق همایونی، یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر

فارس، (شیراز، ۱۳۵۶)، ص ۴.

خندیده‌اند، گریسته‌اند، شکست خورده‌اند، پیروز شده‌اند، نیایش کرده‌اند، ترسیده و عاصی شده‌اند، سپس در همان دنیای حیرت‌انگیز مرده و به خاک سپرده شده‌اند، درحالی‌که همه‌چیز را چون یادگاری گرانبها و مقدس به نسل‌های بعدی باز سپرده‌اند و نسل‌های نسل، به‌همین شیوه روزگار گذرانده‌اند.

تماس ما با ملت‌های گوناگون و نژاد و آیین‌های متفاوت‌شان، فتح، شکست و نیز مذهب در پرورش، گسترش، تغییر و بالاخره نابودی‌شان بی‌نهایت مؤثر بوده است. به‌این ترتیب درآمیختگی و تأثیر و تأثر فرهنگ‌ها و سنت‌های پیچیده اقوام مختلف و جذب و دفع آن‌ها سبب شده که فرهنگ مردم آکنده از تضاد، و در عین حال هماهنگی پندارها، گردد.^۱

همان‌طوری‌که هر کدام از ما یک شناسنامه داریم و با آن شناسنامه یا سجل احوال شناخته می‌شویم، فرهنگ توده ما هم شناسنامه ملت ماست. این امر تنها مختص ملت ما نیست، بلکه همه ملت‌ها همین وضع را دارند. یعنی فرهنگ هر ملتی آینه تمام‌نمای آن ملت در قرن‌های متمادی است که با مطالعه آن می‌توان به خصوصیات روحی، اجتماعی و دینی آن ملت پی برد.^۲ فرهنگ هر ملت، چه از جنبه علمی و چه از لحاظ اجتماعی، برای خود آن ملت و برای سراسر جهان ارزش و اهمیت بسیار دارد. ارزش جهانی فرهنگ مردم از آن جهت است که دانش عوام هر ملتی، آینه ذوق و هنر و معرّف خلق و خوی آن ملت و وسیله خوبی برای شناخت خصوصیات آن قوم و جماعت است و چون غالباً با فرهنگ ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می‌تواند سفیر حسن نیت و

۱. پیشین، ص ۴ و ۶.

۲. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (نجوا)، جان عاریت، فرهنگ عامه، پژوهش‌های ادبی، مردم‌شناسی، به‌کوشش میهن صداقت پیشه، نشر و پژوهش فرزانه روز، (تهران، ۱۳۸۱)، ص ۱۸۸-۱۸۷.

پیام‌آور دوستی هر ملت نزد سایر ملل جهان باشد. در حقیقت فرهنگ توده بهترین عاملی است که ملت‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و پیوند دوستی و رابطه معنوی آن‌ها را مستحکم می‌سازد و آشنایی و دوستی ملت‌های جهان با هم و وثیقه صلح و آشتی آن‌ها با همدیگر و نابود کننده، یا لاقبل تخفیف دهنده کینه‌ها و دشمنی‌ها است.

اما از جنبه ملی، فرهنگ هر ملتی در حکم زندگی‌نامه و شرح احوال و سیرت توده عوام آن ملت است و عامل اصلی و شاخص خصلت‌ها و تصویر اصیل آداب و عادات آن قوم و روشنگر سوابق تاریخی و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم عوام آن کشور به‌شمار می‌رود. اگر فرهنگ مردم هر منطقه را جداگانه بررسی و مطالعه کنیم، می‌بینیم که با وجود اختلافات ظاهری، ریشه و پایه و منشأ و منبع همه آن‌ها یکی است و همگی چون شاخه‌های پیوند خورده درختی واحدند که از یک تنه جدا شده و از یک ریشه تغذیه کرده‌اند و این خود محکم‌ترین سند وحدت قومی ایرانیان و دلیل قاطع بر پیوندها و پیوستگی‌های مردم این مرز و بوم است.^۱

وقتی میان مردم مناطق مختلف وحدت و یکپارچگی به‌وجود می‌آید که با اخلاق و عادات و آداب و هنرها و افکار همدیگر آشنا شوند. در حقیقت یکی از راه‌های صحیح ایجاد وحدت ملی همین است.

از طرفی فرهنگ مردم سرچشمه الهام شاعران و نویسندگان بوده و هنر و فرهنگ عامیانه الگوی اصیلی برای هنرمند امروز است؛ و نیز آهنگ‌ها و ترانه‌های عامیانه منبعی غنی برای موسیقیدان‌ها است. علاوه بر این‌ها، آنچه ملتی را از دیگر ملت‌ها متمایز می‌کند اول زبان او و دیگری فرهنگ او است. اگر زبان و فرهنگ ملتی را از او

۱. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (نجوا)، گذری و نظری در فرهنگ مردم، اسپرک، (تهران، ۱۳۷۱)، ص ۱۰.

بگیرند، به سهولت می‌توانند خود او را ریشه کن کنند.^۱

سابقه فرهنگ عامه در اروپا بیش از ایران است. با نفوذ تمدن ماشینی و تأثیر تکنولوژی و به‌خصوص عوارض زندگی ماشینی که مانند غولی سهمگین عقاید و عادات و آداب و رسوم را له می‌کرد و از بین می‌برد، اروپاییان در صدد جمع‌آوری فرهنگ مردم برآمدند و آن را فولکلور (Folklore) نامیدند. در انگلیسی Folk به معنی توده و lore به معنی دانش است و فولکلور به دانش عوام، معلومات عامیانه، دانش توده مردم و بالاخره فرهنگ مردم ترجمه می‌شود. بنابراین فولکلور علم به آداب و رسوم توده مردم و افسانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه است.^۲ جمعی از محققان فرهنگ عامه از جمله وان ژنیب فرانسوی، باورها و اعمالی را که بدون فلسفه و نظریه ایجاد می‌شود فولکلور خوانده‌اند و معتقدند هر چیزی که عادت آدمی است می‌تواند جزء فرهنگ عامه به‌شمار آید. آن‌ها برای نمونه از غذا خوردن، خوابیدن و عاداتی از این‌گونه یاد کرده‌اند.^۳

در زبان فارسی، توجه مداوم و متوالی به فرهنگ مردم از دوره ناصرالدین شاه، توسط میرزا حبیب اصفهانی، آغاز شد. از جمله کارهای مفیدی که او انجام داد، تحقیق و تتبع در اصطلاحات عامیانه و زبان محاوره بود. در دوران اخیر، اول کسی که متوجه قوت کلام عامه مردم شد و تأثیر و نفوذ سحرآسای زبان عوام و قوت آن را دریافت، شادروان علامه علی اکبر دهخدا بود که به زبان مردم نوشت. در این زمینه می‌توان از چرند و پرند، بعضی سلسله مقالات بسیار با ارزش روزنامه

۱. جان عاریت، پیشین، ص ۲۰۵-۲۰۴.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، (تهران، ۱۳۷۱)، جلد دوم، ذیل کلمه.

۳. سید رضا مشرف، رمضان در ادب عامه مردم خراسان، صداوسیما مرکز خراسان، ص ۱۹.

صور اسرافیل و پس از آن امثال و حکم یاد کرد. سید اشرف الدین حسینی نیز از کسانی است که از قدرت توصیف و قوت تعبیر زبان عامیانه برای بیان افکار خود بهره برده است. بعدها سید محمد علی جمال زاده، کتاب یکی بود یکی نبود را با استفاده از محاوره عامیانه نوشت. ولی کسی که فولکلور را از جمیع جوانب به ما شناساند و نمونه داد، شادروان صادق هدایت بود با کتاب پر ارج خودش نیرنگستان. ناگفته نماند که عده‌ای از مستشرقان و ایران‌شناسان مانند ژوکوفسکی، آرتور کریستن سن و هانری ماسه در گردآوری بعضی از مواد فولکلوری ایران و جمع‌آوری مقداری از قصه‌های فارسی کوشش بسیاری کرده‌اند.^۱

کلیه کشورها دارای فولکلور هستند. هر کشوری که گذشته پر نشیب و فرازتری داشته باشد، هر کشوری که سایه روشن تاریخ در آن زیادتر به چشم بخورد، دارای فولکلور پرمایه‌تری است. به زبان دیگر، فلسفه‌های مختلفی که در آن کشور نضج یافته، مذاهب مختلفی که به وجود آمده، اندیشه‌های گوناگونی که در طول زمان به مردم تلقین شده، خواه ناخواه اثراتی از خود به جای گذاشته که گرچه روزی جلوه فرهنگ بوده، ولی به مرور زمان وارد فرهنگ عوام شده و به همین خاطر است کشورهای قدیمی و کهن سال، که در برخورد شدید افکار و اندیشه‌ها بوده‌اند، غنی‌ترند. ولی نکاتی هست که در فرهنگ عامیانه کلیه کشورها مشترک است و می‌توانیم آن‌ها را خصایص ویژه فولکلور در هر آب و خاک و زمین و سرزمینی بدانیم.

یکی این که فرهنگ عامیانه، در همه کشورها زاییده تجربه است. هیچ نمود فولکلوری وجود ندارد که زاده تجربه‌ای از گذشتگان نباشد و یکی از علل اعتبار فولکلور همین است. پس از سالیان دراز امروز بشریت، معیار و

موازن همه چیزها، خاصه علوم را تجربه می‌داند. تمام موارد و نکات مربوط به فولکلور نیز بر مبنای تجربیاتی است که گذشتگان داشته‌اند و سینه به سینه و نسل به نسل به ما رسیده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های فولکلور این است که معمولاً اندیشه‌های عامیانه دارای شالوده‌ای است که از فرهنگ کهن مایه می‌گیرد؛ از ویژگی‌های دیگر فرهنگ مردم، مثبت و خلاقه بودن آن‌ها و متناسب بودن آن با مذهب و روح و نژاد و منطقه جغرافیایی آن ملت است. دنیای فولکلور سرشار از امید است و نمودهای یأس آفرین در فرهنگ مردم کمتر به چشم می‌خورد. در افسانه‌های عامیانه، امید هیچ قهرمانی به ناامیدی نمی‌انجامد. ویژگی دیگر فرهنگ مردم، منطقه‌ای بودن آن است. هر منطقه‌ای متناسب با اوضاع و احوال جغرافیایی خویش، دارای فولکلور خاصی است که آدم، بوی خاک، بوی گل و گیاه آن را از خلال فولکلور استشمام می‌کند و نیاز و بی‌نیازی‌های مردم را احساس می‌کند.^۱

شرایط گوناگون اقلیمی و زیستی، موجب پیدایش رفتارها، عادات و آداب متفاوتی شده است که در این میان فرهنگ‌های مردم مناطق مختلف ایران به تبعیت از شرایط اجتماعی و متناسب با اوضاع متفاوت جغرافیایی شکل گرفته‌اند. بنابراین طبیعی است که در سراسر میهن عزیز ما، شیوه‌های متنوع در رفتار و سنن و عادات فرهنگی پدید آید. اما باید گفت تنوع فرهنگ‌ها در کشور ما نمودار تفاوت بین اقوام گوناگون نیست، بلکه به عکس این امر، نشانه‌ای از وفاق ملی و پیوستگی فرهنگی است.^۲

قلمرو فرهنگ عامه گسترده است: ذهنیات هر فرد از باورها، پندارها و

۱. یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامیانه، پیشین، ص ۹۲-۸۷.

۲. موسیقی مناطق ایران، پیشین، ص ۲.

اندیشه‌ها و سخن و ادب عامه انباشته است. بسیاری از تدابیری که انسان برای برآوردن نیازهای اولیه خود از قبیل تهیه پوشاک، خوراک و ابزار کار و مسکن به کار می‌گیرد و سهم عمده‌ای از آنچه برای گذران اوقات فراغت در نظر دارد، و بخشی از رفتار اجتماعی مثل آداب زندگی از تولد تا مرگ، همه این‌ها، گوشه‌ای از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهد. بنابراین تصور این‌که فرد در جامعه بتواند بدون تکیه بر فرهنگ عامه زندگی کند، غیرممکن به نظر می‌رسد.^۱

ایمان و اعتقاد مردم به امیرالمؤمنین علی علیه السلام به واسطه روح مساوات و آزادی خواهی و انسان دوستی او بود. امام علی علیه السلام برخلاف خلفای بنی‌امیه که به برتری نژادی عرب بر غیر عرب معتقد بودند، با همه مسلمانان با مساوات رفتار می‌کرد و هیچ فرقی میان نژادهای بشری قایل نبود. در مسأله آزادی و آزاد گذاشتن مخالفین افراط می‌کرد. به او خبر می‌دادند مخالفین دارند توطئه می‌کنند، می‌فرمود: هنوز که کاری نکرده‌اند، هرگاه وارد عمل شدند و اعمال آن‌ها مخالف اصول اسلام بود، آن وقت جلوشان را بگیرید، علت این‌که جماعتی او را جلوه حق می‌دانستند همین بود که این صفات و سجایا از بشر ساخته نیست.^۲

آن چیزی که ایرانی ستم‌دیده را به سوی صف اسلام کشیده عدالت و رهبری درست انسانی بود که نه در بنی‌امیه دید و نه در بنی‌عباس بلکه در سیمای علی علیه السلام و در چهره یاران و فرزندان علی علیه السلام دید. به این خاطر به علی علیه السلام و فرزندان او گرایید که اسلام اولیه و حق را در سیمای این‌ها، در زندگی این‌ها، در خانواده این‌ها، در موقعیت سیاسی این‌ها و در رنج‌ها و شکنجه‌های دوازده نسله این مردان یافت. ایرانی برای عدالت و

۱. رمضان در ادب عامه مردم خراسان، پیشین، ص ۱۷.

۲. جان عاریت، پیشین، ص ۸۱.

برخورداری از حکومت عدل و حق مسلمان شد و این دو اصل را تنها در زندگی علی علیه السلام دید، این است که علی علیه السلام بعد از مماتش، حیات بارورتری را در دل‌ها ادامه داد.^۱

علی علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین مردان تاریخ اسلام و امام اول شیعیان و داماد و پسر عم پیامبر بزرگ اسلام است. درباره شخصیت حضرت علی علیه السلام بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران سخن‌فرسایی نموده و کتاب‌ها نوشته‌اند. چنانچه در تاریخ اسلام درباره هیچ‌یک از شخصیت‌های اسلامی به اندازه آن حضرت اظهار نظر نشده است. با وجود شخصیت بارز امام، هنوز بعد از گذشت پانزده قرن آن‌چنان‌که باید شناخته نشده و هیچ‌گاه نخواهد شد. زیرا شخصیت آن امام مبین آن‌چنان رفیع است که اندیشه انسان از دست‌یابی به آن عاجز است. چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا را کسی شناخت، جز علی و من. مرا کسی شناخت جز خدا و علی، و علی را کسی شناخت جز خدا و من.

تفاوت مقام علی با دیگران از آغاز خلقتش نمایان گشت. علی علیه السلام در مقدس‌ترین مکان، خانه کعبه، و با کمک فرشتگان الهی پا به جهان هستی نهاد. نامش را پروردگار انتخاب کرد و چشمش را بر روی مقرب‌ترین بنده خدا، رسول الله صلی الله علیه و آله گشود.

علی علیه السلام دوران کودکی و نوجوانی را با تعالیم انسان‌ساز حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرورش یافت و در ده سالگی در کمال پاکی و بی‌گناهی اسلام را پذیرفت. هیچ‌یک از مسلمانان صدر اسلام، افتخار مسلمانی را چون علی علیه السلام نداشتند. حتی مقرب‌ترین آنان بخشی از زندگی خویش را در کفر و الحاد و آزار و خودپسندی سپری کرده بودند.

۱. علی شریعتی، علی علیه السلام، مجموعه آثار ۲۶، انتشارات نیلوفر، (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۴۳۷.

نباشد یار، چون یار نخستین

نه هر معشوق، چون معشوق پیشین
فخرالدین اسعد گرگانی

علی علیه السلام اسلام را به خوبی شناخت و به قرآن و سنت آگاه و در تمام کارها و شئونات زندگی و ارتباط با پروردگار یگانه، بی نظیر بود. از حضرت ختمی مرتبت پرسیدند: «معنی میزان در قرآن چیست؟» پیامبر فرمودند: «میزان علی علیه السلام است. میزان اعمال هر کسی به علی علیه السلام نزدیک تر باشد، به واقعیت فرمان الهی نزدیک تر است.»^۱

زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان مهاجر و انصار فرمان داد با هم عقد برادری و اخوت ببندند، خود آن حضرت، علی علیه السلام را به برادری انتخاب کرد و دخترش را به ازدواج او درآورد.

مسلمان ها در ذی حجه سال سی و پنج هجری با او بیعت کردند و او را به خلافت مسلمین انتخاب کردند و تا نوزدهم رمضان سال چهارم هجری عهده دار خلافت مسلمان ها بود. اما همین چند سال به راستی سر مشق زمامداری دنیاست. از عهده بشر خارج است که مثل آن دوره ها بتواند خوب حکومت کند. برای این که او از کودکی در دامن بزرگ ترین معلم و مربی عالم، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رشد و نمو کرد و تربیت شد؛ یعنی فرزند معنوی پیامبر ما بود.

محبت متقابل این دو پسر عمو و جانبازی علی علیه السلام در راه زنده ماندن پیامبر به آن جا رسید که شب هجرت پیامبر از مکه به مدینه در بستر پیغمبر اکرم خوابید و جان گرمی خودش را جان پناه پیامبر کرد.^۲

۱. سید احمد وکیلان، «علی علیه السلام در افسانه های ایرانی»، کتاب ماه هنر، [ویژه] امام علی علیه السلام در هنر عاقه، ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب، شماره های ۳۱ و ۳۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۵۸.
۲. جان عاریت، پیشین، ص ۸۰.

به اعتقاد تمام محققان و دانشمندان اسلامی، علی علیه السلام مجموعه کمالات انسانی را یک‌جا داشت. فیلسوفی دانا، خطیبی توانا، متفکری فقیه و مبتکر جوانمردی، بلند همت و پاکدامن، بزرگ‌مردی عطوف و مهربان، پیشوای امین و عادل و جنگاوری شجاع بود. آری آنچه خوبان همه دارند، علی علیه السلام یک‌جا داشت.

علی علیه السلام در جنگ هرگز پشت به دشمن نکرد و در غزوه‌هایی چون احد، خیبر و احزاب تنها یاور پیامبر و نجات‌بخش دین خدا بود. نام و شمشیرش پشت دشمنان را می‌لرزاند. چنانچه وقتی در جنگ احد جان مبارک پیامبر را از گزند کفار محافظت می‌کرد، جبرئیل فریاد برداشت: «لافتی الا علی، لا سیف الا ذو الفقار»، یا در جنگ احزاب وقتی پیامبر، علی علیه السلام را به کارزار عمر بن عبدود فرستادند، فرمودند: «امروز تمام کفر و ایمان در مقابل هم ایستاده‌اند» و تنها مرد میدان و کننده در قلعه خیبر جز علی علیه السلام کسی نبود.^۱

در تحمل حرف مخالف مانند کوه استوار بود. در هیچ نبردی به دشمن پیش‌دستی نکرد. به حسن بن علی، فرزند گرامی خودش، توصیه فرمود که هرگز کسی را به مبارزه مطلب، اما اگر دشمن خواست با تو جنگ کند، تو از جنگ روگردان مباش، برای این‌که جنگ طلب، متعذی است و باید روبه‌روی او ایستاد.

بعد از ماجرای حکمیت که خواجه نهروان از او و سپاه او جدا شدند، حضرت امیر می‌دانستند که در تدارک جنگ با او هستند. حتی چند نفر از یاران مخلص و سرداران حضرت مصلحت را در این دیدند که پیش‌دستی کنند و قبل از این‌که آن‌ها دست به شمشیر ببرند، این‌ها حساب‌شان را تسویه کنند. ولی حضرت اجازه فرمود و گفت: «می‌دانم که این گمراهان

۱. سید احمد وکیلان، «علی علیه السلام در افسانه‌های ایرانی»، پیشین، ص ۵۹.

سیاه‌رو دست به شمشیر می‌برند، ولی تا آن‌ها شروع نکرده‌اند من هرگز بر روی آن‌ها شمشیر نمی‌کشم.^۱

علی (علیه السلام) در جوانمردی نیز بی‌همتا بود. چنانچه در جنگ جمل برخلاف معاویه دون همت، آب را بر روی دشمنانش نبست و زمانی که شنید لشکریان معاویه در شهر انبار، خلخال از پای زن یهودی درآورده‌اند، فریاد برآورد اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد بر او سرزنش روا نباشد.

در وفای به عهد و پیمان نیز حضرت علی (علیه السلام) سرآمد همگان بود. چنانچه به مالک اشتر فرمود: «اگر با دشمنت پیمان بستی، نزد او تعهدی سپردی، آن عهد و پیمان را محترم بدار و جان خود را سپر آن قرار ده.» در دستگیری از بینوایان نیز علی (علیه السلام) یکه‌تاز میدان بود، چنانچه اطعام شبانه فقرا تا شب شهادتش بر کسی معلوم نگشت. رأفت قلب و نمونه رهبری عادل را در علی (علیه السلام) باید جست. از جمله در کمک به بیوه زنی که شوی خود را در جنگ با مولا از دست داده بود. علی (علیه السلام) مشک بیوه زن را به‌دوش کشید و از کودکان او تیمارداری کرد و زن بی‌خبر از وجود علی (علیه السلام) در کنارش، بی‌پروا به آن حضرت ناسزا می‌گفت و علی (علیه السلام) اشک می‌ریخت و از آن زن و فرزندان زن حلالیت می‌طلبید و بر اثر گرمای تنور که رخسارش برافروخته بود، بر خود نهیب می‌زد که ای پسر ابوطالب، گرمی این آتش را بپش و از آتش دوزخ بیمناک باش. این است سزای رهبری که از حال یتیمان و بیوه زنان بی‌خبر باشد.^۲

در نوزدهم رمضان که ابن ملجم فرق مبارکش را شکافت، به فرزندان و اصحاب خودش فرمود: «به این موجودی که در حبس و بند شماست، از همان شیری بدهید که من می‌خورم. اگر از این سوء قصد جان سالم به‌در

۱. جان عاریت، پیشین، ص ۸۰

۲. سید احمد وکیلان، علی (علیه السلام) در افسانه‌های ایرانی، پیشین، ص ۵۹.

بردم، خودم می‌دانم با او چه کنم. اما اگر از ضربت او جان در نبردم و شما خواستید او را قصاص کنید، همان‌طور که او یک ضربت به من زده، شما هم یک ضربت به او بزنید. مبادا او را شکنجه کنید. مبادا او را قطعه قطعه کنید، با نهایت عدل و داد با او رفتار کنید و اگر درگذرید به تقوا نزدیک‌تر است.^۱

هر چه درباره صفات انسانی و برجسته امام علی علیه السلام گفته شود بسیار اندک و ناچیز است، و گویی به اندازه برداشتن جامی است از اقیانوسی بی‌کران.

میخائیل نعیمه نویسنده نامی لبنان درباره صفات والای امام علی علیه السلام و ناتوانی مورخین و نوابغ از آرایه تصویری کامل و تمام از ایشان می‌گوید:

قدرت‌نمایی و قهرمانی امام تنها در حدود میدان‌های جنگ نبود، قهرمانی بود در صفای بصیرت و طهارت وجدان و سحر بیان و حرارت ایمان و عمق روح انسانیت و بلندی همت و نرمی طبیعت، و باری محروم و رهایی مظلوم از چنگال متجاوز و ظالم، و فروتنی برای حق، به هر صورت و مظهري که حق برایش تجلی نماید. این نیروی قهرمانی همیشه محرک و انگیزنده است، گرچه روزگارا از آن بگذرد، امروز و هر روز که شوق ما برای پی‌ریزی بنای صالح و فاضلانه شدید شود، به سوی آن باز می‌گردیم....

راستی بر هر مورخی، هر چه هوشمند و نابغه باشد، محال است که بتواند تصویری کامل از عظمتی مانند علی علیه السلام به دست نو دهد، گرچه در هزار صفحه باشد.... زیرا آنچه این قهرمان مرموز عرب تفکر و تأمل نموده، گفته و عمل کرده و در میان خود و پروردگارش بوده است، نه گوش شنیده و نه چشمی دیده و آن بسیار بسیار بیش از آن است که به‌دستش نمودار یا به‌زبان و قلمش آشکار ساخته است.

پس هر تصویری که از او ترسیم کنیم ناچار صورت ناقصی از آن اصل کامل است.... علی آن فرمان بی مانند فکر و روح و بیان است؛ در هر زمان و در هر مکان.^۱

این است که حکایت نیک نفسی‌ها، جوانمردی‌ها، شجاعت، رحمت و عطاقت و عدالت امام علی علیه السلام، مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد و در قالب ترانه‌های شادی و سرور، تعزیه و اعیاد، لالایی‌ها، موسیقی، آداب و رسوم و باورهای عامیانه به زندگی و اعتقادات مردم امید و جهت می‌بخشد، و به محافظت در مقابل فرهنگ‌های مهاجم و مخرب می‌پردازد و در طول تاریخ، با فراز و نشیب زندگی مردم پرورده می‌گردد و سینه به سینه به نسل‌های بعد سپرده می‌شود.

بی‌سبب نیست که فرهنگ رسمی و شفاهی مردم پر از اشارات و تعبیرات و نقل و حدیث از مولا علی علیه السلام است و مردم ایران و شیعیان حضرتش با تأسی از منش و کردار والای او، دین و دنیا و آخرت خود را بیمه می‌کنند و نجات می‌بخشند.

در قلمرو فرهنگ مردم، از زمانی که کودک پا به عرصه وجود می‌گذارد، لالایی‌های مادرانه که در آن عشق به علی علیه السلام موج می‌زند، سامعه او را نوازش می‌دهد. پس از آن شعر و ترانه و ناز و نوازش‌هایی که با نام علی علیه السلام همراه است، روح و روان کودک را پرورش می‌دهد و گوش جان او را با نام علی علیه السلام آشنا می‌کند. در جشن و سرور و اعیاد مذهبی و ملی و کار و تلاش و حتی غم و اندوه، نام علی علیه السلام است که به همه چیز رنگ و بو و جهت می‌بخشد. آری علی مشکل‌گشا و بازکننده گره‌ها است. اوست که کارها را

۱. عبدالفتاح عبدالمقصود، امام علی علیه السلام، ترجمه سید محمود طالقانی، انتشارات مسجد هدایت، (تهران، ۱۳۳۵)، جلد اول، ص ح.

آسان و راه‌های دشوار را هموار می‌کند. تا آن جا که ارادتمندانش آخرین نفس را با نام و یاد او به جان آفرین تسلیم می‌نمایند و برای رهایی از ظلمت و فشار قبر، بر کفن خویش، نام علی علیه السلام را می‌نگارد. با چنین اعتقاداتی علی علیه السلام یک‌ه‌زار قصه‌های مردم ایران است. گویندگان و راویان قصه‌ها، با یاد خدا و مدح علی علیه السلام قصه را آغاز و به انجام می‌رسانند. در اوج قصه گفتن نیز با گفتن یا علی نفس تازه می‌کنند و قصه را پی می‌گیرند. نقالان قهوه‌خانه‌ها نیز آن چنان مدح علی علیه السلام را با صدای رسا می‌خوانند که روح شنونده را شاد و گوش او را آماده شنیدن نقل می‌کنند.^۱

زندگی و منش شخصیت‌های اساطیری، تاریخی، مذهبی و ملی در باور عوام مقوله‌ای پر کشش و عبرت‌آموز بوده و جای تأمل و پژوهش جدی دارد و در این میان چهره‌های دینی و مذهبی، و به تعبیر دیگر، «اولیاء الله» جای ویژه‌ای دارند.

در ادبیات تمام ملل این شخصیت‌ها در مقام نیروهای شریک در قدرت ماوراء طبیعت و فرا انسانی - یا حداقل برخوردار از بخشی از آن نیروها - نمایان می‌شوند و نقش جادوگر و حمایت‌کننده و فریادرس دارند. برای این پدیده مفسران ادیان و مذاهب و دین باوران، از یک‌سو، و صاحبان آراء اجتماعی و فلسفی و جامعه‌شناسی در زمینه‌های مختلف از سوی دیگر توجیهات و تعبیرات و برداشت‌های خاص خود را دارند.^۲

در میان استان‌های مختلف کشور، استان خراسان (شمالی، جنوبی و

۱. سید احمد وکیلان، «علی علیه السلام در افسانه‌های ایرانی»، پیشین، ص ۵۹.

۲. محمد پناهی سمنانی، «علی علیه السلام در ترانه ملی»، کتاب ماه هنر، پیشین، ص ۲۰.

رضوی)، به عنوان پهناورترین استان، خود به تنهایی دارای تنوع آب و هوایی و به تبع آن تنوع فرهنگی است. این سرزمین پهناور به طول ۴۰۰ و به عرض ۳۰۰ مایل، از شمال به جمهوری‌های آسیای میانه و از مشرق به خاک افغانستان و از جنوب به صحرای سیستان و دریاچه هامون و از مغرب به استان‌های شمالی کشور محدود است.

با طلوع اسلام در شبه جزیره عربستان و گسترش آن در سرزمین‌های مجاور، خراسان از جمله سرزمین‌هایی بود که مردمش شیفته تعالیم نجات‌بخش قرآن و رسول خدا ﷺ شدند. حب و علاقمندی مردم خراسان به امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد ایشان همواره سبب شد که این استان مأمن و پناهگاه شیعیانی باشد که برای احیای حکومت عدل علی علیه السلام با حکومت‌های جور اموی و عباسی مبارزه می‌کردند.

محبوبیت امام علی علیه السلام در میان مردم خراسان و ارادت ویژه به ایشان باعث شده است که در آفرینش‌های فولکلوریک نقش و سهم بسیاری به آن اختصاص یابد و براساس صفات والا و برجسته ایشان در باورها و آداب و رسوم و موسیقی، ترانه‌ها، لایه‌ها، حکایات و اشعار بسیاری ساخته شود. خضوع و خلوص عامه و صداقت نهفته در بیان آنان از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع شعر است. از سویی دیگر، حقیقت‌جویی، دعوت به خیر و نیکی، اظهار بندگی در برابر خدا و همچنین نعت و منقبت‌های خاص، از مهم‌ترین مضامین آن به‌شمار می‌رود. اساساً تمایل و ارادت قلبی ترانه‌گویان و استقبال پذیرش جمعی سبب شده است که این نوع شعر جایگاهی بس والا و گران‌قدر در میان دوست‌داران فرهنگ عامه بیابد.^۱

۱. حسن نصری جامی، تحلیل ساختار و درون‌مایه ترانه‌های کهن شرقی، براساس ترانه‌های جام، محقق، (مشهد، ۱۳۸۰)، ص ۱۱۸-۱۱۷.

آنچه پیش رو دارید برگزیده‌ای از آداب و رسوم، باورداشته‌ها و افسانه‌های رایج میان مردم خراسان است که براساس روایت‌های گوناگون مردم از شهرهای مختلف این استان پهناور گردآوری شده است. بخش عمده‌ای از این آداب و رسوم و اشعار و ترانه‌ها سینه به سینه به مردم رسیده که برخی از آن‌ها از قدمت تاریخی بسیاری نیز برخوردارند.

با هجوم فرهنگ پیگانه و شیوع زندگی ماشینی در شهرها و تنوع سرگرمی‌های کامپیوتری، یا به عبارت دیگر با عصر جهانی شدن فرهنگ و به تحلیل رفتن خرده فرهنگ‌ها، فرهنگ مردم، به ویژه صورت مذهبی آن، در معرض فراموشی و خطر نابودی قرار گرفته است. جمع‌آوری و ثبت و ضبط فرهنگ مردم از مناطق روستایی و بعضی مناطق شهری و سالخوردگانی که کمتر در معرض این تهاجم قرار داشته‌اند، می‌تواند به استحکام هویت فرهنگ مذهبی جامعه و غنای آن یاری رساند.

نگارنده امیدوار است این داده‌ها به عنوان منبع اولیه‌ای برای برنامه‌های فرهنگی و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان در عرصه تهیه برنامه‌های مناسب تربیتی، آموزشی و نمایشی مورد استفاده قرار گیرد و بالاخره در این رهگذر به بازسازی، اشاعه و حفظ میراث فرهنگی جامعه کمک کند و نیز مبنای سودمندی برای پژوهش و تحلیل جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی محققان و مردم‌شناسان باشد.

در این جا برخود لازم می‌دانم از زحمات بی‌شائبه جناب آقای دکتر محمد مهدی ناصح، که با راهنمایی‌های مفید و بجای‌شان هنگام اجرای پژوهش بر غنای مطالب افزودند، و نیز از اداره کل ارشاد اسلامی

خراسان رضوی و دست‌اندرکاران بخش پژوهش، که زمینه را برای اجرای این پژوهش فراهم آوردند، سپاسگزاری کنم. و نیز شایسته است از همکاران محترم این پژوهش، آقایان حبیب صفرزاده و محسن علی‌نژاد قمی که در مراحل مختلف کار مشارکت کرده و به نگارنده یاری رساندند، تشکر کنم.

سرکارخانم پروین حسن‌خانی چندبار کتاب را به دقت مطالعه کردند و نکاتی مهم را برای اصلاح یادآور شدند. از ایشان نیز تشکر می‌کنم. همچنین از راویان گمنامی که بی‌هیچ چشم‌داشتی اندوخته‌ها و دانسته‌های خود را با خلوص نیت در اختیار نگارنده گذاشتند، سپاسگزاری می‌کنم.

جلیل امجدی